

میگویم
فراموش نمیکنم یکی از رفاقا چند روز قبل بمن میگفت: مرقومات تو پاس آوارست
این کوه تهر پرات این اردوی مرک و نیشی حسن صبر و امید را میگذارد جنبه پاس و فوجی را زیاد میکند این تجویزات بدست زهرا ما برای زندگی آمد ایسم - برای زندگانی خلق شده ایم
من تکذیب میکنم - من قبول ندارم ایرانی برای مردن خلق شده است ایرانی اصلا با ما - میرد ایرانی باید در دنیا نیاید ایرانی اگر دنیا آمد لایزال باید خارج ایران در بلاد دور دست زندگی کرده با هم ایران و ارا را ثبت دلخوش و سرفراز باشد
ایرانی باید در بیار ممالک دنیا توطن جنبه کسب و تجارت آزد و فلاح و صنعت که هیچکدام در وطن خودش وجود ندارد اشتغال جنبه بیاد سپروس و داریوش و برجستهگی تاریخ ایران مقتدر باشد
جمعیت ایران - سی کرور نفرین رده است بمقدار من ۲۹ کرور و چهارصد هزار نفر آن با ما میرند با ما میرند رده در ممالک آزد گذران کنند
و این مالک را بان یکصد هزار نفر صاحب خانه بخوندند کاران و اصناف ساز نمایانند
این زب النوع ما حاضر نمیشوند اجاره نشینان طبیبی ما برای آنها سرخر باشند آری اشخاص بدبخت باید برآند در خارج خوش بخت گردند
برای نمره و اثبات مقادیر من بی اخبار و خواهی شرح سابقه ملک واحسانت فرح بخش دیرینه و حالات جگر خراش کنونی و نهر کنی امروزی من میادرت کند قام من میخواهد حالت پاس مرا از روی احسانت جلوه دهد
قام میخواهد بماند من در اثر تجرید میخواهم بپریم که من باب دلخواه و جهالت این است میخواهم بدقت بخواند ببطرفانه ملاحظه کنید آتوت من حق خواهی داد
من بکنار ایرانی هستم که در خارج از محیط ایران نشو و نما کرده و یکا معبود قلبی خود را ایران میدانم من بیاد نما و استقلال ایران بخواب رفته و بهمان آرزوی مقدس سراز خواب برآمده و در این آرزو خود را خوش بخت تصور میکنم
من وطن مقدس خود را رب النوع عشق تصور کرده و مثل یک عاشق دلخاکه این بوی فانی را بر پیش من میبوسم
نتیج این انتظار ایرانی است را بفرقی خود جای داده و برمال عالم میاهات و بر آرزوی میبوسم
من مانند فرهاد گره کن برای زیارت شهرین وطن برای دیدن ایران قطرات شکر از دیدن رفته بحالت مد هوشی

بخواب رفته وطن خود را در خواب زیارت میکنم
من قبل داشتم همیشه بخواب و در آغوش مادر طیبی خود خوشوقت باشم و از این جهت خواب را برپداوری ترجیح میدادم
من ایران را مهد تربیت سپروس داریوش جمشید نوشیروان و باناخره شاه اسمعیل و قادر میخواندم
من ایران را مری ابوعلی - مهدی - رودی نظامی - فردوسی - شناخته بودم
من آرزو داشتم وطن این فلاسفه بزرگ و این اشخاصی بر حسته تاریخ را زیارت کنم
من قبل داشتم خاک ایران را مانند سره بچشم کشیده این مادر را بر زمین وار نشانی و سجده کنم
من میخواستم بی زیارت ایران ، بخدمت کردن وطن عزیز خود بسا هزار خوش بختی ناقل شوم و همه چیز را از ایران میخواستم
ایران مرا از زن فرزند بپزازی داده دیوانه وار از هر کس دهر چیز رو تافته سر از پاس - شناخته با ایران شناختم
من وقتی که بخاک ایران رسیدم مانند یک عاشق و دلخواهی اظهار سجده افتاده و خاک وطن را با سرشک دیده کان آب یاری کرده و گاهای محبت آنرا بوگیده دماغ دل را به آن رایحه تنفی و تسلی دادم
افسوس این آرزو ها جز خیال خام جنون و ما خولیاچیز دیگری نبود
راستی این بسته کنی و تعلق من خبی شیبه بود بان هوس مقرب که مریض تب دار بخورن سرکه داشته باشد
اشتیاق من بدیار وطن بسیار شجاعت داشت بان هوس که اطفال ساده لوح به از یکی نموده لانه زاپور و گرفتن زاپور داشته باشد
نه فقط اشراف این مملکت به ظلم مهدی تجاوز نمود و ارتکاب بر ذلالت اخلاق عادت گردانند
باک عدم طبقات این وطن عزیز این اخلاق بد میخاق هستند
مثلا بین هیچک از طبقات این ممالک صمیمیت رفاقت راستی امانت وجود ندارد
باین واسطه همیشه عامه سکنه ایران آلت اجرای اغراض خارجی ما گردیده در افتای جان و مال و همه چیز یکدیگر میگویند
و بواسطه عدم صمیمیت طبقه - هم و چهارم همیشه در سزکال بالادله طبقات اول و دوم - میرند افسوس اوقات یکروزانه برای شرح مطالبات من کافی نیست امید است در امرات آتی به صبری از مطالبات خود و مقدمات اصلاح اخلاق عمومی را بطور صحیح بنویسم
سید محمد تقی بهبهانی

تاریخ فاشترین مورخه ۲۵ تیر ۱۹۲۳
چهارم روزی طالبان
دیروز بعد از ظهر از طرف جمهوری طالبان در دویس یک حمله مرتبانه بر عمارات دولتی بعمل آمده است و از جانب آنها مجاهاتی برای سوزاندن کلبه انبیه من بوزه ظاهر گردید
خبریک بعد واصل شده است اشعار می دارد که سر بقی بعضی از عمارات من بوزه خاموش گردیده در ضمن حمله پلیس دو نفر دختر ۱۳ نفر زن و ۱۳ نفر مرد را که حامل صندوقهای نفت ششولک و اسلحه بوده دستگیر کرده
نوصیه جدید
در بران رسماً اعلام شده است که مذاکرات بین وزارت مایه و نمایندگان بانکها بان نتیجه رسیده است که با آنها در اشاعت اسهم خزانه داری معادل دو پست مایون مارک طلا شرکت جویند در این صورت بانک های من بوزه شرکتی تأسیس نموده معادل پنجاه مایون دلار (گویامورد مارک باشد) ترتیب سهم خزانه داری بمدت سه سال و بضایات بانک دولتی برداش خواهد رسانید عقیده جرائد اقامت که دولت بدین وسیله حاضر خواهد شد یعنی مسکوک پیدا کند که برای حفظ میزان مارک نفاذت نماید
طلای رومانی
یوکرت - از مقدار طلای رومانی که در بانک دولتی آلمان امانت بنموده و معادل ۸۰ میلیون مارک طلا در آنجا نشسته معادل ۶۸ میلیون آن از طرف بانک زاپور تحویل بانک ملی رومانی داده شده و حالیه دولت رومانی قصد دارد از بانک آلمان بقیه آنرا مطالبه نماید
پیشنهاد بین المللی شدن (روهن)
جهانگزاران میونین کار کراکتلیسی کوزو جمه و جنبه بنا حبه (روهن) مسا فرت کرده پیشنهاد نموده اند که خوبست دولت فرانسه ، آلمان ، انگلش ، سو ایطال ، اناجیه من بوزه را بین المللی نموده و اداره بین المللی آن ناحیه عوایدی که از نفاذت غرامت جمع میکنند ما بین دولت نی علاقه تقسیم نماید
نورمه مقرف
از یک منبع نیم رسمی این خبر اشاعت یافته است که امروز کتدرانس بین بواکاره (توتیس) (و فنی) خاتمه یافته و تصمیم گرفته شده است که مسوورین فرانسی و بلژیکی اداره راه های آهن واقع در ساحل (دن) و و را تصرف نمایند
علت برهم خوردن کتدرانس خبریکه از اضره بسلا مبول واصل شده است اشعار می دارد - عصمت بانها در تهیه امور خارجه مجلس ملی اعلام داشته که رویه غیر قابل انظاف فرانسه را جمع بمراد اقتصادی و مالی و جویات قطع مذاکرات در آران را فراهم ساخت و لی چنین دارم و فیکه درک میکنند که مصالح و مناقش چنین اقتضای نماید لورا بوزه خود را طرح و تعارض خواهد نمود
جرائد طبعه در اضره مقالات بسیار شدید الحسی داشته و در مجلس ملی تقاضا کرده اند که مطلق تمهید قیامه بان عمل کنند ضمناً رویه فرانسه را بخت مورد انتقاد قرار داده اند

شماره چهارشنبه
چنانچه هفته قبل ذکر شد این هفته شماره چهارشنبه ما منتشر نخواهد شد
نیل معاصر
جواب مقاله نیل معاصر مندرجه در جریده مشرقه نومار را در شماره روز جمعه قرن بیست و نهمت خواهد بود

دعوت
بناسبت مولود محمود حضرت سید الله الغالب علی این ایطالاب و اقتصاب مخصوص فرقه دموکرات بذات مقدس آنحضرت ارواح العالمین له الفداء روز جمعه ۱۳ شهر خجاری نوسه ساعت بفریب الی دوساعت از شب گذشته در مجمع دموکرات مجلسی منعقد خواهد بود بر عوطفان عزیز با نهایت انتظار دعوت میشود که در این جشن حاضر شده و اعضاء فرقا را قرین تذکر فرمائند - مدرس خیابان چراغوق نمره ۱۹ مدیر مجمع دموکرات - در اقی

شکایت از حکومت
همه روزها مراسلاتی بینی بر شکایت از وفاق الدوله حکومت همدان باذاره رسیده و روزی روز در فزونی و تنزاید است
از قرار معلوم مشارالیه که یکی از عناصر بوسیده هستند خود را ذبحی در مدخله عموم دوائر تصور کرده و تقریباً بطور اضالت در حدود مسؤلیت همیکه خارج از صلاحیت او است از قبیل مایه عدلیه و غیره
مداسلات غیر قانونی کرده و دردمرا مجبور از شکایت متمایزند
نظر بکثرت واردات اداری و خریق صافحات در این فرقه از درج شکایت خود داری گردیم
امید است نمره آتی بدفع بعضی آنها میادرت گردد
و ضمناً اطلاعات خود را بشانه اجمال این شخص کوش زد دولت تماشیم

جریده نهضت اسلام
فانهاد اسلامی نهضت اسلام که با اسلوب دینی و ادبی و اخلاقی جنبی است در هر کز منتشر میشود و باز که در این باره از قرن بیستم انتقال داده شده اسلامیان میبازانند از ندرجانش استفاده نمایند
تا زمانه بطور یک باید و شاید یک نامه اسلامی اشاعه پیدا نماید و نموده مسلمانان کابلا علاقه مند خود را بدان نشان نداده اند
ما بوی خود موقت کار بکنان این نامه اسلامی را از خدای متعال خواستار بوزه و در فقای اسلامی خود را بقرات آن جریده شریفه دعوت میبندیم و نیز و وعده میدهم که در آیه نزدیک از ندرجات آن بیشتر از پیشتر استفاده حاصل نمایند
قرن بیستم
مطایعه یا نمر زاده

ثروت الملك كذا از بر تو و اور کشت
را بنده از در بارو در حمام ها دلاک شد
قر بانای - دای تمام بان و دکان و خانه و کاروا فترا را از سوداخ دا نور بطور بیرون کردی
حمال - (آهسته شروع برکت میکند) آ ای بان من میخواستم بکنترست دفع خشکی کم تو بیشتر درد دل مرا افزوده کردی
درا با خارج میشد در حین قر بانای دست برده یک اشباب حمال را می دزد -
قران علی - (بار حمال را که دزدید بخود نشان داد و می گوید)
لا این هم چیزی گیر ما آمد
(ایچه کجا با چادر مشکلی وارد میشود)
بچه کجا - مرا میباشی ؟
قران علی - ما با هم اینت یاد را از کجا آوردی از نشان چه در آورده بگو و بینم
بچه کجا - (یک دار رنگ آمیزی او را نشان داد و بعضی اشباب در دانا وانه میدهد و بار رنگ آمیز این اشباب چادرها و مقداری پول
قران علی - (اشباب را میگوید که از چادر و اشبابی که پول ها را بدیده است
ایچه کجا - پول ها را برای خرید میبراهم

میکردیم

فراموش نمیکنیم یکی از رفته چند روز قبل بمن بگفت مرقومات تو پاس آوراست

این کوله نجر پرات این از روی مرگ و تپش حس صبر و امید را میگوید چنانچه پاس و نومیدی را ایجاد میکند این تجربه ات بدست زهر را برای زنده کن آمد ایتم بر سر او زنده کنی خاق شده ایم

من تکذیب میکنم - من قبول ندارم ایرانی برای مرگ خلق شده است ایرانی اصلا نمیرد

ایرانی را چه میگویند که در ایران اگر کسی را بکشند باید خارج از کشور بماند و دست زدنش را بکند و اسم ایران را در دستش نگه دارد و در صورتی که در ایران بماند و در دستش نگه دارد باید از کشور خارج شود

ایرانی باید در سراسر ممالک دنیا مؤمن باشد که مکتب و تجارت آزادی و فلاح و رفاه است و هر کس که در وطن خودش وجود ندارد اشتغال پیدا کند بیرون و در بیرون و در جنگی تاریخ ایران متعجب باشد

جمعیت ایران سی آردو نفرند و در هر یک از این ممالک که در دستش نگه دارد باید بیرون آید و در هر یک از این ممالک که در دستش نگه دارد باید بیرون آید

و این ملک را بان بگردد هزار نفر صاحب خانه خداوند کاران و استعمار نماید با ...

این رب الزرع ما حاشر نمیشد اجاره نشینان طفیلی ما سرای آنها سرخز باشند آری اشخاص بدبخت باید بروند در خارج خوش بخت گردند

برای نمونه و اثبات مدعا فقام من بی اختیار میخواهد بشرح سابقه زندگی و احساسات فرح بخش دیرینه و حالات جگر خراش کنونی و تیرگی امروزی من میافزود کند فقام من میخواهد حالت پاس مرا از روی احساسات جلوه دهد

فقام میخواهد بهماند من در اثر تجربه میخواهم بگویم که من باب دلخواه و جهالت این است میگویم بدقت بخوانید به طرفت ملاحظه کنید آنوقت بمن حق خواهید داد

من یکبار ایرانی هستم که در خارج از محیط ایران نشو و نما کرده و بگانه میبود فقامی خود را ایران میدانستم من بیاد فقا و استقلال ایران بخواب رفته و بهمان آرزوی مقدس سراز خواب برداشته و در این آرزو خود را خوش بخت تصور میکردم

من وطن مقدس خود را رب الزرع عشق تصور کرده و مثل یک عاشق دل باخته این د یوب فقامی را بر تن من میبندم من تاج افتخار ایرانیت را بفرقی خود جای داده و بر ممال عالم میافزود و بر برتری میبندم

من مانند فرهاد گره کن برای زیارت شهرین وطن برای دیدن ایران قطرات اشک از دیدگان ریخته بحالت مد هوشی

خواب رفته وطن خود را در خواب زیارت میکردم

من بیل داشتم همیشه بخواب و در آغوش مادر طیبی خود خوشوقت باشم و از این جهت خواب را بر برداری ترجیح میدادم

من ایران را مهد تربیت بیروس و آریوش همیشه نوشروان و بالآخره شاه اسمعیل و قافر میخواندم

من ایران را مری ابوعلی - مهدی - رود - نظامی - فردوسی - شناخه بودم

من آرزو داشتم وطن این فلاحه زرتک و این اشخاصی بر سینه آریوش را زیارت کنم

من بیل داشتم خاک ایران را مانند سر به چشم کشیدم این مادریه زرتک را در سانس و سجده کنم

من میخواستم بی زیارت ایران ، بخدمت کردن بوطن عزیز خود بسا هزار خوش بختی نائل شوم و همه چیز را از ایران میخواستم

ایران مرا از زن فرزند بپزازی داده دیوانه وار از هر کس و هر چیز رو نافته سر از پاس شناخته با ایران شناختم

من وقتی که بخاک ایران رسیدم مانند یک عاشق دلسوز و بی اختیار سجده افتادم و خاک وطن را با سرشک دیده کان آب آری کردم و طعمهای بیخبر آنرا بوییدم

دماغ دل را به آن راجحه تنفی و ناسی دادم

افسوس این اثر و همه چیز خیال خام چون و ما خوار بپزد بگری بود

واسی این بسته گمی و تمنای من خیلی شبیه بود بان هوس فرطیکه مریض تب دار بخوردن سرکه داشته باشد

اشتیاق من بیدار وطن بسیار شایسته داشت بان هوسیکه اطفال ساده لوح به از یکدیگر نمرود لانه زلیبور و گرفتن زلیبور داشته باشند

نه فقط اشرف این ممالک به ظلم تندی تجاوز حدود و ارتکاب بر اشغال اخلاق عادت کرده اند

بذکه عدم طبیقات این وطن عزیز این اخلاقی بد منخلق هستند

مثلا بین هیچیک از طبقات این ممالک صمیمیت و رفاهت را با امانت وجود ندارد

باین واسطه همیشه عامه سگه ایران آت اجزای اغراض خارجی ها گردیده در اقلای جان و مال و همه چیز یکدیگر میگویند

و بواسطه عدم صمیمیت طبقه سیم و چهارم همیشه در سوزنک بلا ممانه طبقه اول و دوم میسوزند افسوس اوراق بگرو زنده

برای شرح مطالبات من کافی نیست این است در امرات آنچه مختصری از مطالبات خود و مقدمات اصلاح اخلاق عمومی را بطور صحیح بنویسم

سپه محمد تقی بهبهانی

تذکره فائز و نور

مورخه یکشنبه ۲۵ تیر ۱۹۲۳

حله جمهوری طالبان

دیروز بعد از ظهر از طرف جمهوری طالبان در دیوان یک حله مرتبای بر عمارات دولتی بعمل آمده است و از جانب آنها مجامعاتی برای روزان کلبه آینه من بوز طاهر گردید

خبریک بعد واصل شده است اشعار می دارد - حر بقی بعضی از عمارات مزبوره ناموش گردیده در ضمن سه پلیس دو نفر دستگیر شدند و ۱۳ نفر مرد را که حامل صندوقهای نفت ششول و اسلحه بودند دستگیر کرده

نوصیه جدید

در ایران رسماً اعلام شده است که مذاکرات بین وزارت مالیه و نمایندگان بانکها

باین نتیجه رسیده است که بانکها در اشاعت سهم خزانه داری معادل دو است میلیون مارک طلا شرکت جویند در این صورت

بانک های مزبوره شرکتی تأسیس نموده معادل پنجم میلیون دلار (گریه مقصود مارک باشد) سهم خزانه داری بحدت سه سال

بضمائم بانک دولتی بقرض خواهد رسانید عقیده جیراند است که دولت بدین وسیله حاضر خواهد شد بهائی مسکوک پیدا کند که برای حفظ میزان مارک نفاذت نماید

طلای رومانی

بوکارت - از مقدار طلای رومانی که در بانک دولتی المان باقی مانده است معادل ۸۰ میلیون مارک ارزش داشته

معادل ۶۸ میلیون آن از طرف بانک زوریخ تحویل بانک ملی رومانی داده شده و حالیه دولت رومانی قصد دارد از بانک المان بقیه آنرا مطالبه نماید

پیشنهاد بین المللی شدن (روهز) چهار نفر از معین کار کراکلیسی که روز جمعه و شنبه بنا حیه (روهز) مسافرت کرده پیشنهاد نموده اند که حکومت دول

فرانس ، المان ، بلژیک ، انگلیس ، و ایطالیا ناسیه مزبوره را بین المللی نموده و اداره بین المللی آن ناسیه عوایدی را که از بیات غرامت جمع میکنند ما بین دول

تی علاقه تقسیم نماید

توسه تصرف از یک منبع تیم رسمی این خبر اشاعت یافته است که امروز کراکلیسی بین بواکاره (تونیس) و (فنس) خانه یافته و تقسیم گرفته شده است که مامورین فرانسوی و بلژیکی اداره راه های آهن رومانی در ساحل (رن) و روهز را تصرف نمایند

عالت برهم خوردن کراکلیسی خبریکه از آخره بایلامبول واصل شده است اشعار می دارد - عصمت پاشا در تهیه امور خارجه مجلس ملی اعلام داشته که روهز غیر قابل انتظام فرانسه را میباید

اقتصادی و مالی و وجبات قطع مذاکرات در ازان را فراهم ساخت و لی قبیل دارم و فنیکیه درک میکنند که مصالح و منافعی بیانی اقتضای می نماید فوراً روهز خود را

تسویج و تمدین خواهد نمود جیراند منطقه در اقره مقالات بسیار شدید المعنی نگاشته و در مجلس ملی نقاشا کرده اند که مطلق تمهید فقامه ملی عمل کنند ضمناً هم روهز فرانسه را سخت مورد انتقاد قرار داده اند

سپه محمد تقی بهبهانی

شماره چهار شنبه

چنانچه هفته قبل ذکر شد این هفته شماره چهار شنبه ما منتشر نخواهد شد

نیل معاصر جواب مقاله نیل معاصر مندرجه در جریده شریفه نوبهار در شماره روز جمعه قرن بیستم بدقت خواهد شد

دعوت

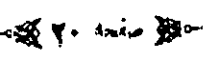
بنامت مراد بسود حضرت سداقه الغالب علی این ایطالاب و اقتساب مخصوص فرقه دموکرات بذات مقدس آنحضرت ارواح العالمین له الفداء روز جمعه ۱۳ شهری جاری از ساعت بیروب الی دو ساعت از شب گذشته در مجمع دموکرات مجلسی مانفد خواهد بود از هموطنان عزیز با نهایت افتخار دعوت میشود که در این جشن حاضر شده و اعضاء فرقه را قرین تشکر نمایند - ادوس خیابان چراغ برق خرقه ۱۹ مدیر مجمع دموکرات - دوائق

شکایت از حکومت همدان

همه روزه مراسلاتی مبنی بر شکایت از وفاق الدوله حکومت همدان با اداره رسیده و روز روز در فرقی و تنزاید است از فرار معلوم مشار الیه که یکی از عناصر بوسیده هستند خود را ذبیحی در مدخله عموم دوائر تصور کرده و تقریباً بطور اضالت در حدوده مسئولیت هر یک خارج از صلاحیت او است از قبیل مالیه عدلیه و غیره مداخلات غیر قانونی کرده و سردمرا میجووز بشکایت مینماید نظر بکثرت واردات اداری و ضیق سفجات و در این فرقه از درج شکایت خود داری گردیم امید است بمره آتیه بدج بعضی آنها مبادرت گردد و ضمناً اطلاعات خود را بسا بقه اعمال این شخص کوش زد دولت نمایم

جریله نهضت اسلام

فلسفه اسلامی نهضت اسلام که با اسلوب دینی و اخلاقی جنبی است در هر کز منتشر میشود و بنا بر این اداره قرن بیستم انتقال داده شده اسلامیان نمیتوانند از مندرجاتش استفاده نمایند متأسفانه بطور یک باید و شاید یک نایه اسلامی اشاعه پیدا نماید نموده و مسلمانان کاملاً علاقه مندی خود را بدان نشان نداده اند ما بنویس خود موفقیت کار کردن این نایه اسلامی را از خدای متعال خواستار بودیم و در فرقی اسلامی خود را بقرات آن جریله شریفه دعوت مینمایم و نیز و وعده میدهم که در آتیه نزدیک از مندرجات آن بیشتر از پیشتر استفاده حاصل نمایند قرن بیستم



ثروت الملك كذا از بر و و افور كشت

رانده از در بارو در حمام ها دلاک شد قربانی - وای تمام بازم و دکان و خانه و کاروا فسا را از سوراخ و افور چطور بیرون کردی جمال - (آهسته شروع برفتن میکند) ای با نامن میخواستم بگفتم دروغ خشکی کم تو بیشتر درد دل مرا افزوده کردی در با خارج میشود در چنین قربانی دست برده یک اسباب حساس را می دزدی قربان علی - (از جمال را که دزدید بخورد نشان داد) می گوید (از این هم چیزی بگیر ما آمد) بیه گدا - مرا میخواند ؟ قربان علی - ما با نامن این جا در را از کجا آوردی از نشان چه در آوردی بگو به بینم بیه گدا - (یکبار داور رنگ آبی را از نشان نشان و بعضی اسباب در دلو را به میبرد و دلو را به این جا اسباب چادرها و مقداری پول قربان علی - (اسباب را میگیرد و لی چادر را نمیبرد) پول ما را بیه گدا - پول ما را برای خود میخراهم